

## آنقدر که نمیرند و در خدمت سرمایه بدمند

ف. م. جوانشیر

### فصل سوم - تبدیل پول به سرمایه و نیروی کار به کالا

#### ۳- ارزش نیروی کار

تنها در نظام سرمایه داری است که نیروی کار انسان بدل به کالا می شود و ارزش مصرف و ارزش پیدا می کند. ارزش مصرف عبارت است از امکان مصرف مولد به قصد ارزش افزائی، ارزشش مانند هر کالای دیگری برحسب مقدار کار لازم اجتماعی که برای تولید و باز تولید این کالا لازم است تعیین می گردد. نیروی کار تنها در شخص زنده وجود دارد. و لذا تولید نیروی کار قبل از همه عبارت است از زنده نگاهداشتن صاحب نیروی کار. یک فرد زنده برای نگاهداری خود نیازمند مجموعه معینی از وسایل معیشت است. بنابراین ارزش نیروی کار در درجه اول عبارت است از ارزش آن مقدار از وسایل معیشت که برای نگاهداری کارگر لازم است. کارگری که امروز کار کرده باید فردا بتواند در حالت عادی جسمی و روحی در سرکار حاضر شود. پس برای او چنان وسایل معیشتی لازم است که باز تولید نیروی کار وی را مقدور سازد. برحسب ویژگی های هر کشور نیازمندی هایی نظیر خوراک، پوشاک، سوخت، مسکن و غیره متفاوت است. به علاوه بسته به درجه تکامل و تمدن موجود در هر کشور نیز وسایلی که برای زندگی عادی ضروری شناخته می شوند متفاوتند. مثلا در مناطق سردسیر بخاری و لباس گرم جزو ضروریات زندگی است. در حالی که در مناطق گرمسیر لازم نیست. و یا مثلا در کشوری که به سطح معینی از تکامل و تمدن رسیده، کتاب خواندن، روزنامه خواندن، سینما رفتن، تلویزیون، و یخچال داشتن جزو حداقل ضروریات زندگی است و وجود آن ها برای باز تولید نیروی کار ضروری محسوب می شود و در کشور دیگر اینگونه چیزها ضروری تلقی نمی شود.

ابوالقاسم خردجو مدیرعامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، این نظر مارکسیستی را در رابطه با دشواری دعوت کارگر ماهر از خارج کشور به شرح زیر بیان می کند:

" مشکل دیگر دعوت کارشناس خارجی در تفاوت سطح زندگی و وسایل رفاه بین اجتماع صادر کننده کارشناس و وارد کننده کارشناس است. آنچه که در یکی جزو ضروریات زندگی عادی است در دیگری تجمل و تفنن حساب می شود و نایاب است و فراهم آوردن آن تحمیل شاقی است بر خریدار مهارت<sup>(۱)</sup>".

از مجموع آنچه که گفتیم این نکته را باید با دقت بخاطر سپرد:

در ارزش نیروی کار برخلاف سایر کالاها علاوه بر عنصر مادی، یک عنصر تاریخی و معنوی نیز وارد می شود، چرا که وسایل معیشت ضروری برای نگاهداری انسان ها به نسبت رشد تمدن بیشتر است.

در تعیین ارزش نیروی کار نکته مهم دیگری را نیز باید در نظر گرفت و آن اینکه کارگر میرنده است و لذا نیروی کار که بر اثر فرسودگی و مرگ از بازار خارج می شود باید با تعداد لااقل برابری از نیروی کار جدید و جوان جبران شود. بنابر این نگاهداری نیروی کار علاوه بر نگاهداری شخص کارگر، شامل نگهداری جانشینان وی، یعنی فرزندان کارگران

<sup>(۱)</sup> نشریه پنجمین کنفرانس اتاق بازرگانی کشور، تهران ۱۳۴۸. ص ۱۷۳

نیز می شود. بنابراین آن مقدار از وسایل معیشتی که برای نگاهداری خانواده کارگر لازم است نیز در ارزش نیروی کار وی وارد می گردد.

علاوه بر این انجام هر کاری مهارت معینی لازم دارد و برای اینکه انسان بتواند در رشته معینی مهارت کسب کرده و به نیروی کار تکامل یافته ای بدل شود باید آموزش و پرورش معینی ببیند که به نوبه خود مستلزم صرف انرژی معینی است. ارزش آموزش و پرورش نیروی کار برحسب خصلت کم یا بیش بغرنج آن کمتر یا زیادتیر است و به هر صورت این ارزش نیز در ارزش نیروی کار وارد می شود.

از آنچه که گفتیم پیداست که:

ارزش نیروی کار عبارت است از ارزش مقدار معینی از وسایل زندگی و معیشت. هنگامی که مقدار ضروری این وسایل و ارزش این وسایل تغییر کند، ارزش نیروی کار نیز تغییر می کند.

بخشی از وسایل معیشت مانند خوراک، سوخت و غیره مصرف روزانه دارند و هر بار بر اثر مصرف نابود می شوند و باید هر روز از نو خریداری شوند. برخی دیگر از وسایل زندگی مانند پوشاک و اثاث خانه و غیره در فاصله زمانی طولانی تری مصرف می شوند و لذا دیرتر تعویض می شوند. به عبارت دیگر برخی از کالاهای مورد مصرف را باید روزانه، برخی را هفتگی و برخی دیگر را ماهانه و یا سالانه خریداری کرد. ولی مجموع این هزینه ها به هر نحوی باشد در دستمزد روزانه کارگر منعکس است و لذا هزینه هایی هم که روزانه نیست بطور متوسط روی روزهای کار سرشکن می شود تا ارزش نیروی کار روزانه کارگر بدست آید.

پائین ترین مرز یا حداقل ارزش نیروی کار از ارزش حداقل کالاهائی تشکیل می شود که بدون مصرف آن ها نیروی کار قادر به ادامه زندگی و فعالیت مولد در جای مناسب خویش نخواهد بود.

اگر نیروی کار به این حداقل فروخته شود باید گفت که پائین تر از ارزش واقعی خویش فروخته شده است چرا که در چنین حالتی کارگر فروشنده نیروی کار نخواهد توانست این نیرو را که کالای اوست طبیعی و سالم نگاهداشته و بسط دهد. درحالی که در مورد همه کالاهای ارزش کالای طوری تعیین می شود که کالا با کیفیت عادی حفظ شده و عرضه شود.

مدیرکل نخست وزیری با توجه به این حقیقت که سرمایه داران به اهمیت حفظ نیروی کار کارگر توجه ندارند. نه از روی دلسوزی نسبت به طبقه کارگر، بلکه صرفاً به خاطر اینکه کار با کمیت و کیفیت لازم تحویل شود به آنان توصیه می کند در پرداخت ارزش نیروی کار هزینه زندگی و وضع تغذیه کارگران را دقیق تر در نظر بگیرند. او می گوید:

"عدم توجه موسسات به هزینه زندگی ... کیفیت و کمیت کار رابه طور محسوس کاهش می دهد. نیروی انسانی که می تواند برنامه های مورد انتظار بخش صنعتی را با موفقیت انجام دهد باید از سلامت جسم و روح که به وسیله بهداشت و اغذیه خوب و آموزش صحیح تامین می شود بهره مند گردد<sup>(۱)</sup>.

راه توده ۱۸۳ ۳۰,۰۶,۲۰۰۸

(۱) نشریه پنجمین کنفرانس اتاق بازرگانی کشور، تهران ۱۳۴۸ / دکترا  
فرتاش مدیرکل نخست وزیری